

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

حزب کار ایران – توفان

۲۰ جولای ۲۰۱۴

## "سازمان فدائیان اقلیت" و موضع شبهه انگیز به ضد مبارزات مردم فلسطین

"سازمان فدائیان اقلیت" اخیراً مقاله ای در رابطه با تجاوز اسرائیل به نوار غزه منتشر کرده است که ارزیابی ما را در رابطه با سقوط این سازمان به آغوش نیروهای امپریالیستی- صهیونیستی نظیر "حزب کمونیست کارگری ایران" و پیروان منصور حکمت تأیید می کند. راهی را که این تشکل و یا آنچه از آن باقی مانده می رود راه بی بازگشت و رودرروئی با مردم ایران و مردم منطقه است. خوب است که کسانی که هنوز با شگفتی و سردرگمی ناظر این تحولات هستند، به خود آیند و با مبارزه متشکل و مسؤولانه از سقوط این سازمان به منجلا ب ضد انقلاب امپریالیستی- صهیونیستی جلوگیری کرده آنها را به راه راست بازگردانند.

به موضعگیری اخیر این سازمان در مورد جنایات صهیونیستها در نوار غزه بپردازیم. آنها در بیانیه خود تحت عنوان: "کشتار و سرکوب فلسطینیان توسط اسرائیل را محکوم می کنیم!" به تاریخ (۱۸ تیر [سرطان] ۱۳۹۳ - ۹ جولای ۲۰۱۴) با امضای (کمیته خارج کشور سازمان فدائیان اقلیت)، اعلامیه مودیانیه ای نوشته اند تا ننگ نوشته های خویش در شماره ۶۳۴ نشریه "کار" در سال ۱۳۹۱ را آرایش کنند. در این بیانیه بویی از مبارزه طبقاتی و مواضع کمونیستی نیست. سرپای این بیانیه "نوع دوستی" ریاکارانه ای در حمایت از اسرائیلی هاست. همانطور که از عنوان این بیانیه بر می آید ظاهراً این سازمان دلش از کشتار فلسطینیان توسط اسرائیل کباب شده است و این "انسان دوستی" را وسیله ای کرده است تا حمایت از حقانیت مبارزه مردم فلسطین به ضد صهیونیسم اسرائیل را مسکوت بگذارد. اگر چاشنی "بشر دوستی"، و "مردم غیر نظامی" و... را زیاد کنید، خواننده متوجه نمی شود که به یک باره گناه صهیونیستهای اسرائیل به حدی تنزل پیدا کرده که حتی به شهادت "گزارش سالانه سازمان عفو بین الملل، نقض آشکار حقوق شهروندان فلسطینی توسط اسرائیل محکوم شده است" و یا در این سند می آورند: "در این گزارش به سرکوب سیستماتیک فلسطینیان توسط ارتش اسرائیل اشاره شده و گفته شده است ارتش اسرائیل به طور آگاهانه افراد غیر نظامی را که هیچ نقشی در درگیری ها ندارند، مورد هدف قرار داده است" (تأکید همه جا از توفان).

طبیعتاً یک خواننده غیر سیاسی و یا بی دقت متوجه نمی شود که در این موضع گیریها، تأیید شده است که فلسطینی ها مردمان یک کشور تحت اشغال و مورد ستم نیستند، بلکه شهروندان اسرائیلی فلسطینی تبار هستند که به اشغال تن در داده و مشکیشان این است که حقوق شهروندی آنها مانند همه ساکنان اسرائیل تأمین نمی شود. توجه کنید اگر ما همین استدلال را در مورد سیاست نازی ها در اشغال کشور فرانسه و یا هالند به کار می بردیم، آیا این استدلال همدستی با نازی ها و قائل شدن حقوق اشغالگری و پذیرش ضمیمه کردن فرانسه یا هالند به خاک المان نازی نبود؟ وقتی سازمانی

که ادعای کمونیستی می کند در سراسر بیانیۀ خویش مبارزه به حق مردم فلسطین به رهبری حماس و جبهه خلق برای آزادی فلسطین را (متحدان حماس در نوار غزه- توفان) مسکوت می گذارد و برای افراد "غیرنظامی" که "هیچ نقشی در درگیری ها ندارند" دل می سوزاند و کشتار مردم فلسطین را که در اینگونه درگیریها به مدت بیش از ۶۰ سال شرکت دارند و مقاومت می کنند، مباح جلوه می دهد، باید پرسید انگیزه این مخدوش کردن ها در چیست؟ چرا صراحت لهجه در تمام این بیانیه که عملاً به نفع اسرائیل است به نفع مردم فلسطین دیده نمی شود.

روح این اطلاعیه حمایت از صهیونیسم اسرائیل است. "سازمان فدائیان اقلیت" از به کار بردن واژه "صهیونیسم" و "اشغالگر" در سراسر بیانیه خودداری کرده است، در حالی که این واژه بیان تمامی ماهیت رژیم صهیونیستی و نژادپرست اسرائیل است.

آقای اوری آرئیل وزیر توسعه مسکن در اسرائیل می گوید: "باید یک پاسخ مناسب صهیونیستی به آنها (منظورش فلسطینی ها و سازمانهای مقاومت هستند- تکیه از توفان) داد". (نقل از نشریه المانی زبان **کلتر اشتات آنسایگه** مؤرخ اول جولای ۲۰۱۴). آنچه را که اوری آرئیل اعتراف می کند، "سازمان فدائیان اقلیت" کتمان می کند. آنها بیانیه را طوری تنظیم کرده اند که به اصل تعلق سرزمینهای فلسطینی به اسرائیل صحه می گذارند، در هیچ کجای این سند در مورد نیروی اشغالگر اسرائیل سخن نمی رود، در هیچ کجا از حق مردم سرزمینهای اشغال شده برای رهائی ملی در هر و رنگ و نژاد، ایدئولوژی و دین و... که باشند حمایت نمی شود. گیریم شما با حماس مشکل دارید، چرا از مبارزه مردم فلسطین تحت رهبری "جبهه خلق برای آزادی فلسطین" به ضد صهیونیسم و اشغال حمایت نمی کنید؟ آنها پذیرفته اند که نوار غزه و همه سرزمینهای اشغالی فلسطین، حتی بعد از سال ۱۹۶۷ بخشی از "خاک مقدس تاریخی" اسرائیل است که فلسطینیها باید به عنوان **شهروندان** اسرائیلی فلسطینی تبار و دارای "حقوق مساوی" در آن زندگی کنند. "ارتش و نیروهای مسلح سرکوبگر اسرائیل" حق ندارند، **شهروندان** خود را با نقض حقوق بشر سرکوب کنند. به زبان دیگر این سرکوبها و توحش ارتش اسرائیل، گویای ماهیت دولت صهیونیستی اسرائیل نیست، بلکه کار خود ارتش است که به وی انتقاد وارد بوده و زمام کارش را به دست "عصبانیت" داده است و باید به نیروهای افراطی درون آن دهنه زد تا همه چیز بر وفق مراد شود. این سازمان پس از اشاره به تعداد کم ولی "رسمی" قربانیان تجاوز اسرائیل که از جانب صهیونیستها منتشر می شود، حرف آخرش را در حمایت از صهیونیسم و محکوم کردن مبارزه مردم فلسطین می زند و می نویسد:

"کشتار و سرکوب فلسطینیان توسط ارتش و نیروهای مسلح رسمی و غیر رسمی اسرائیلی و هم چنین اقدامات تروریستی دسته جات اسلامی از جمله حماس را محکوم می کند. کشتار مردم فلسطین باید پایان داده شود" و برای حسن ختام اضافه می کند "زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم". در مثل مناقشه نیست، ولی ما ایرانی ها به این عبارت آخری عنوان "مشت در کونی را می دهیم".

زبان "سازمان فدائیان اقلیت" همان زبان جرج بوش و نتانیا هوست. سرزمین فلسطین که سازمان حماس رهبر دولت رسمی آن است و در یک انتخابات دموکراتیک و آزاد توسط اکثریت شکننده مردم فلسطین انتخاب شده و به صورت غیر قانونی و برای مجازات مردم فلسطین هم اکنون در محاصره اقتصادی به سر می برد، سرزمینی که مردمش را از بی دوائی و بی غذایی به مرگ تدریجی محکوم کرده اند، از نظر این سازمان "تروریست اند". هر کس علیه صهیونیسم در کشور تحت ستم و اشغال مبارزه کند، برای این که سرزمینش را آزاد کند در فرهنگ امپریالیسم و صهیونیسم "تروریست" است. با انتشار اخبار مطبوعات جهان که مردم غیر نظامی از جمله بسیاری زنان و کودکان قربانیان بمباران شهرها و محل سکونت مردم توسط اسرائیل هستند، دولت اسرائیل اعلام کرد: ولی در بین آنها "دوجین ها تروریست" حضور داشته اند (روزنامه زود دویچه تسایتونگ مؤرخ ۱۳/۱۲ ماه جولای ۲۰۱۴). گفتار دولت اسرائیل

با گفتار اپوزیسیون ضد فلسطینی ها در ایران هماهنگ است. به نظر این "انقلابیون" باید حماس و همه مسلمانان را کشت (استثناء اپوزیسیون "داعش" در سوریه است که مورد حمایت آنها در سوریه بود و حال در کردستان عراق است- توفان). این سازمان هم پرتاب **فشفشه های** دست ساخته حماس را محکوم می کند و هم پرتاب **راکت های مدرن ویران** کننده ارتش **افراطی** اسرائیل را، این سازمان همه کشتار مردم بی دفاع را از هر دو طرف محکوم می کند (ببینید چقدر دموکرات هستند!؟-توفان) و ما اضافه می کنیم: هم صدها کشته مردم فلسطین توسط ارتش "افراطی و عصبانی" و "زمام در رفته" اسرائیل را و هم تعداد **کشته نشده های** اسرائیلی توسط فشفشه های دست ساخته اعتراضی و بی اثر توسط "تروریستهای" حماس را. به این ترتیب **کشته های** ارتش اسرائیل به **نه کشته های** سازمان "تروریستی" حماس در.

به خود نقل قول از سند مراجعه کنیم: " **قربانیان اقدامات تروریستی حماس** از یک سو و **حملات وحشیانه اسرائیل** از سوی دیگر، مردم غیر نظامی اند. طبق آمار منتشره تاکنون در درگیری های اخیر ۲۵ غیرنظامی کشته شده اند که ۵ تن از آنان کودک بوده اند" (تأکید همه جا از توفان). خواننده بی طرف توجه دارد که نخست "قربانیان اقدامات تروریستی حماس" که تعدادشان **صفر نفر** است مطرح شده و سپس "حملات وحشیانه اسرائیل" که حتما به القاء این سازمان: واکنش طبیعی اسرائیل نسبت به "کشتار تروریستی" غیر نظامیان توسط حماس بوده است، در این عبارت مطرح می شود. قربانیان غیر نظامی اسرائیل که خیلی بیش از ۲۵ نفر است بیکباره به پای حماس هم نوشته می شود. به ادعای "سازمان فدائیان اقلیت" هر دو طرف رویهمرفته ۲۵ نفر مردم غیر نظامی را کشته اند که از این عده، ۲۵ نفر سهم اسرائیل و **صفر** نفر سهم حماس است. می شود با این گونه شگردهای تبلیغاتی و روانشناسانه، بیش از این اسرائیل را در کنف حمایت خود گرفت و "اقدامات تروریستی" و "ضد انسانی" حماس را محکوم کرد؟.

به این می گویند اعلام موضع مودیانه با عبارات پردازشهای پر طمطراق برای حمایت از ادامه اشغال سرزمینهای فلسطینی توسط صهیونیسم و امپریالیسم و مخدوش کردن مبارزه مردم فلسطین و تخطئه این مبارزه.

"سازمان فدائیان اقلیت" که نیتش تضعیف و تخریب در جنبش مقاومت فلسطین است اطلاعیه مطبوعاتی "جبهه خلق برای آزادی فلسطین" (اداره مرکزی مؤرخ ۱۴ جولای ۲۰۱۴) را مسکوت گذارده است. زیرا آنوقت محدود کردن مبارزه مردم فلسطین در نوار غزه به مبارزان حماس برای نفی این مبارزه با نظریه سازمان نامبرده در تضاد قرار می گیرد. "جبهه خلق برای آزادی فلسطین" مخالفت رسمی خویش را در برقراری آرامش اعلام کرده است. آنها بدرستی می نویسند: که برای ملتی که در زیر سلطه اشغالگران به سر می برد، مفهوم آرامش ارتجاعی است. هیچ ملت تحت اشغال نمی تواند به اصل آرامش تن در دهد. **اصل، مبارزه و مقاومت بی امان در مقابل قوای فاشیستی اشغالگر است.**

جبهه خلق بدرستی اشاره می کند که برقراری آرامش تنها در چارچوب یک صلح همه جانبه و توافق عمومی امکان پذیر است. نمی شود سرزمینی را اشغال کرد و اشغال را توسعه داد و مردمانش را به زندان انداخت، شکنجه کرد و کشت و آنوقت از آنها طلب کرد که آرام باشند، آرامش را حفظ کنند و دست از پا خطا نکنند. نمی شود به ملت یک کشور اشغالی، صلح اشغالگر را تحمیل کرد. این نیروی مقاومت است که باید تسلیم را به صهیونیسم تحمیل کند. **در فلسطین فقط تسلیم بی قید و شرط صهیونیسم ضامن صلح است و نه تحمیل شرایط اشغال با شکل انعقاد قرارداد صلح.**

" جبهه خلق برای آزادی فلسطین، اعلام می دارد، پیشنهاد برای آرامش که خارج از طرح آتش بس و مستلزمات آن و حمایت از ملت فلسطین و مقاومت مطرح شده به مثابه یک مانع برای ادامه مقاومت است، این امر نیازمند یک موضعگیری عربی برای متوقف ساختن تجاوزات دشمن، و همچنین فراهم آوردن عوامل ایستادگی و حمایت بین المللی موقت برای ملت ما می باشد.

جبهه خلق مجددا بر این امر تأکید می‌ورزد که دیدگاه سیاسی ما، اینچنین است که امضای هر گونه توافق بر آرامش با اشغالگران خطا بوده زیرا، اساساً وجود اشغالگران، نماد ظلم و دشمنی دائم علیه ملت فلسطین می‌باشد. رژیم اشغالگر می‌کوشد از برقراری آرامش مجددا شرایط خود را بر فلسطینیها تحمیل کرده تا آنها نتوانند مقاومت کرده و به وسیله این مقاومت مانع پیشبرد برنامه های آنها، همچون شهرک سازی، تخریب قدس و کامل کردن دیوارهای جدا سازی نژادپرستانه شوند، زیرا آنان از این طریق در نظر دارند برنامه کامل صهیونیستی خود را در فلسطین به اجراء در آورند، اشغالگران با ایجاد قید و بند برای مقاومت، همچنان می‌توانند تجاوزات روزمره خود را علیه شهرها و روستاهای فلسطینیها ادامه دهند، برای شهرک نشینان که حتی یک لحظه مردم ما را راحت نمی‌گذارند، امنیت تجاوزگری فراهم کنند، در تجاوز و هتک حرمت مسجد اقصی آزاد باشند، به اضافه ترورها، دستگیریها و بازداشت‌های دائمی به شیوه فاشیستی، و ظلم و ستم در حق بازداشتیها.

"جبهه خلق برای آزادی فلسطین" هرگز قصد ندارد از مبارزه دست بردارد. شرط قطع مقاومت مردم فلسطین و عدم پرتاب راکت به جانب اسرائیل، آنطور که اپوزیسیون ضد انقلابی ایران تبلیغ می‌کند، قطع راکتهای اسرائیل نیست، خروج اسرائیل از همه مناطق اشغالی است. تا لحظه ای که حتی یک نقطه از سرزمین فلسطین در اشغال دولت صهیونیستی اسرائیل قرار دارد، نیروی مقاومت و متحد مردم فلسطین حق دارد مقاومت کند و به سوی اشغالگران صهیونیست راکت پرتاب کند و نه فقط فشفسه های دست ساخته که فاقد قدرت تخریب اند. شعار قطع پرتاب راکتها از هر دو طرف شعاری عوامفریبانه است. ما باید خواهان خروج بی قید و شرط اسرائیل از سرزمینهای اشغالی باشیم. ما باید خواهان به گور سپردن صهیونیسم باشیم که ربطی به یهودی بودن ندارد.

تائید پرتاب راکت از جانب همه نیروهای مقاومت فلسطینی به سوی قوای صهیونیسم اشغالگر، به رسمیت شناختن حق مقاومت یک ملت است. همانگونه که مبارزه پارتیزانهای نهضتهای مقاومت ضد نازیهای اشغالگر در اروپا، امر انقلابی و درستی بود، همانگونه نیز مقاومت پارتیزانهای فلسطینی قابل تأیید است. تنها همدستان امپریالیسم و صهیونیسم مخالف نهضتهای مقاومت در مقابل امپریالیسم و صهیونیسم هستند و ما با نمونه های آن در سوریه و ایران روبه رو بوده و هستیم.

جبهه توده ئی مجددا از همگان دعوت می‌کند: "تا با اعتماد بر روشی دیگر با موضوع برقراری آرامش برخورد کرده، از موضعی تاکتیکی و در چهارچوب مقاومت که تصمیماتش در دایره وحدت ملی، و همچنین در ارتباط با لحظه سیاسی موجود و بر اساس مصالح ملتمان عمل کنیم، بدون این که هیچ قید و بندی را از طرف اشغالگر، برای ادامه مقاومت بپذیریم."

در حالی که "جبهه خلق برای آزادی فلسطین" از "وحدت ملی" و "مقاومت" مشترک همه نیروها که منطبق بر مصالح ملت فلسطین است دم می‌زند، "سازمان فدائیان اقلیت" برای تأیید سیاست صهیونیستها خط باطلی بر این سازمان کشیده، آن را اساساً به مصداق "شتر دیدی ندیدی" نادیده انگاشته و سازمان حماس یعنی نماینده منتخب مردم فلسطین را به جرم مسلمان و "تروریست" بودن محکوم می‌کند. گیریم حماس "تروریست" است، پس چرا این سازمان از مبارزه انقلابی "جبهه خلق برای آزادی فلسطین" که در این مبارزه شرکت دارد حمایت نمی‌کند؟ این تناقض را چگونه باید توضیح داد؟ جز این که مبارزه مردم فلسطین محکوم است و باید تسلیم اسرائیل شوند؟

باید پرسید به کار گرفتن این همه استعداد برای فریب افکار عمومی و اعضاء و هواداران "سازمان فدائیان اقلیت" برای چیست و با چه نیتی انجام می‌شود؟ آیا واقعاً اعضاء این سازمان فاقد قدرت تعقلند و برایشان این موضعگیریهای ضد کمونیستی و اسرائیل پسند، شبهه انگیز نیست؟

**حزب کار ایران (توفان)**

شنبه ۲۸ تیر ماه [سرطان] ۱۳۹۳

[www.toufan.org](http://www.toufan.org)